

راهکارهای پیشگیرانه از بزه‌دیدگی جنسی اطفال در فضای سایبری

نیما احمدی‌نژاد^۱، سیدمهدی احمدی موسوی^۲

چکیده

فضای سایبر، ضمن ایجاد تعامل و ارتباطات چندطرفه کاربران، امکان اشتراک‌گذاری علاقه‌مندی‌ها، ارتباط با فرهنگ‌ها، عقاید و مذاهب دیگر و کسب اطلاعات در مورد موضوعات مختلف را ممکن می‌سازد. اما عدم استفاده صحیح از این فضا صدمات جبران‌ناپذیری را همچون به خطر افتادن حریم شخصی، از بین رفتن روابط خانوادگی، پدیده بزه‌دیدگی جنسی و غیره در پی داشته باشد. بزه‌دیدگی جنسی در فضای مجازی به روند قربانی شدن اشخاص از نوع جنسی به وسیله ظهور، رشد، توسعه و به تبع آن استفاده از فناوری اطلاعات باز می‌گردد. از جمله مخاطبان اینگونه ابزار و امکانات کودکان هستند که با آگاهی ناکافی وارد فضاهای مجازی شده و تحت تاثیر برخی عوامل مورد اعمال بزه‌های مختلف از جمله هرزه‌نگاری، قاچاق جنسی از طریق اینترنت، آزار و اذیت اینترنتی، توریسم جنسی، تقاضای جنسی، خشونت رسانه‌ای واقع می‌شوند که به دلایلی نظیر عدم آگاهی کافی رایانه‌ای، کنجکاوی، جذاب بودن قربانی به دلیل ویژگی‌هایی نظیر کودک بودن و نبود شیوه‌های نظارتی به وقوع می‌پیوندند. مقابله با بزه‌دیدگی کودکان در هر شرایط و فضایی از هر بعدی بسیار مهم است و با وجود افزایش این اتفاق در فضاهای مجازی و به دور از چشم والدین توجه به روش‌های مقابله با این موضوع و بررسی ابعاد حقوقی رخدادهای مرتبط با آن، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این‌رو مقاله حاضر در پی بررسی بزه‌دیدگی جنسی کودکان در فضای مجازی و راهکارهای حقوقی مقابله با آن می‌باشد که در این راستا از روش توصیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، بزه‌دیدگی جنسی، اطفال، فضای سایبری

nima.ahmadinejad97@gmail.com

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان

^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان

مقدمه

رشد سریع تکنولوژی و دسترسی جهانی و فراگیر به اطلاعات و وسایل و تکنولوژی‌های اطلاعات، پیامدهایی را به دنبال داشته است. اطفال و نوجوانان بطور خاص با دسترسی که به کامپیوتر و فناوری‌های سیار و استفاده از فضای سایبر بوسیله این ابزارها دارند در دهه‌های اخیر موضوع جرائم متعددی بوده‌اند که تاثیر بسزایی بر سلامت و زندگی آنها داشته است. اگرچه سوء استفاده از اطفال و نوجوانان به ویژه اطفال و نوجوانان دختر پدیده‌ای نوظهور و نوین محسوب نمی‌گردد، با این حال، شرایط کنونی تربیت آنها و نوع دسترسی و تغییر سن کاربری فضای مجازی باتوجه به تحولات جوامع در عصر دیجیتال موضوع را سخت‌تر و پیچیده‌تر کرده و آسیب‌های بیشتری را متوجه کودکان و نوجوانان نموده است. بزه‌های ارتكابی در این حوزه که در قالب جرائم سایبری تحلیل می‌شوند، گونه‌های مختلفی را در بر می‌گیرند که از آن جمله می‌توان هرزه‌نگاری و بزه‌دیدگی جنسی ایشان اشاره نمود. تحقیقات نشان می‌دهند که یکی از جرائم معمول در فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی، قربانیت جنسی این گروه است. در این راستا، کودکان و نوجوانان به انحاء مختلف، از این طریق می‌توانند بزه‌دیده جرائم جنسی واقع شوند. ارسال پیام متنی، صوتی و تصویری در کنار ایجاد حساب‌های کاربری جعلی و سوءاستفاده از کودکان و یا نوجوانان باتوجه به شرایط سنی خاص و حساس آنها، می‌تواند بعنوان مهمترین زمینه تحقق بزه‌دیدگی برای این گروه از رهگذر فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی به حساب آید. در این شبکه‌ها، افراد از طرق مختلفی همچون جستجوی نام، شماره تلفن، رایانامه، استفاده از قابلیت GPS و ... می‌توانند با اشخاص دیگر، ارتباط برقرار نمایند.

۹۸

بنابر آخرین گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) جمعیتی بالغ بر ۲/۳ میلیارد کودک در سراسر جهان با روحیاتی لطیف و تجربیاتی کم از جمله مهمترین کانون‌های هدف در راستای تحقق اندیشه‌های مجرمانه به شمار می‌آیند. چه اینکه بنابر اطلاعات موجود امروزه حدود ۱۴۰ میلیون طفل با این اوصاف از جمله کاربران همیشگی و آنلاین فضای اینترنت و PC های شخصی خویش می‌باشند. از این‌رو و باتوجه به آنکه به موازات افزایش برقراری ارتباط با افراد غریبه، امکان بزه‌دیدگی جنسی کودکان و نوجوانان افزایش می‌یابد، به نظر می‌رسد که شبکه‌های مذکور، قابلیت بالایی جهت قربانیت جنسی دارند. علاوه بر آن، نمایه عمومی کاربران در تنظیمات اولیه، امکان یافتن کاربران از طرق مختلف، عدم نظارت اولیه این شبکه‌ها در ارسال تصاویر و ویدیوها، عدم سازوکارهای مناسب جهت شناسایی هویت واقعی کاربران و ورود بدون رضایت به گروه‌ها، ظرفیت آنها را در حوزه بزه‌دیدگی جنسی این گروه، افزایش خواهد داد.

بزه‌دیدگی جنسی اطفال در فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی به تعبیری به روند قربانی شدن طفل از نوع جنسی به وسیله ظهور، رشد، توسعه و به تبع آن استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات باز می‌گردد. این بزه می‌تواند در اشکال مختلف از جمله اذیت و آزار جنسی، اخاذی و پورنوگرافی تجلی نماید. لذا شناسایی

بسترهای ایجاد این آسیب چه در سطح اجتماعی و خانوادگی و چه در بطن شبکه‌های اجتماعی به ارائه یک برنامه کامل و جامع نیازمند است تا در پرتو آن از یکسو امکان مهار طیف وسیعی از آسیب‌های جنسی در این فناوری ارتباطی فراهم شود و از سوی دیگر با شناسایی طبقات گوناگون بزه‌دیدگان جنسی، کلیه اشخاص آسیب‌دیده تحت شمول اقدامات آن قرار گیرند.

امروزه، دیدگاه‌های پیشگیرانه جایگزین سیاست‌های اعمال کیفر شده‌اند. سیاستگذاران جنایی در تدوین برنامه‌های خود با تغییر رویکردهای پیشین، تدابیر پیشگیرانه را در تمام فرآیندهای کیفری لحاظ کرده‌اند. پیشگیری از وقوع بزهکاری و جرم انواع مختلفی دارد که یکی از کارآمدترین آنها خصوصاً در سنین کودکی و نوجوانی پیشگیری رشدمدار می‌باشد. در بین بزهکاران سایبری، اخیراً در تمامی جهان شاهد افزایش چشمگیر اطفال و نوجوانان هستیم به ویژه در جوامع کمتر توسعه یافته، با عدم ارتقای فرهنگ و آموزش، فرصت‌هایی که فناوریهای نوین به ارمغان آورده است، به تهدیدی جدی در فرآیند جامعه‌پذیری کودکان مبدل شده است که ضرورت این نوع پیشگیری‌ها را دو چندان می‌کند.

فلذا در این برهه از زمان که جرایم محیط سایبری بعنوان محل جدیدی برای بزه‌دیدگی کودکان به شمار می‌آید. در این مقاله قصد است با تاکید بر پدیده خاص اجتماعی بزه‌دیدگی جنسی اطفال در فضای سایبر از یکسو به موارد و راه‌های بزه‌دیده شدن کودکان در فضای سایبر پرداخته است و از سوی دیگر راهکارهای ۹۹ مقابله و پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی سایبری کودکان را مطرح سازد.

۱- تعاریف و مفاهیم

۱-۱- طفل

در لغت فارسی طفل به معنای بچه، کودک، نوزاد، خردسال، خرده و ریزه از هر چیزی می‌باشد و جمع آن اطفال است (دهخدا، ۱۳۷۷). واژه دیگری که در این معنی بکار می‌رود و از عربی به فارسی آمده است کلمه «صبی» می‌باشد، در معنای صبی گفته‌اند: «کودکی که به احتلام نرسیده است». این کلمه بصورت فعل نیز در زبان عربی بکار رفته است و به معنای ذوق زده شدن و کارهای کودکانه انجام دادن می‌باشد (قریشی بنابی، ۱۴۱۲ق). کلمه صغیر نیز از واژه‌های مترادف طفل است. صغیر در لغت به معنای فرد کوچک، کم‌سال، کم‌سن و در مقابل کبیر می‌باشد و جمع آن صغار است (معین، ۱۳۸۵). در اصطلاح، کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۴). گذشته از مفاهیم لغوی و اصطلاحی در نظام حقوقی هر کشور علی‌الاصول طفل یا صغیر دارای تعریف معینی است که البته بین این تعاریف اختلافاتی وجود دارد. هرچند در سال‌های اخیر تلاش‌های

بین‌المللی در نزدیک ساختن این تعاریف اعمال شده است، در اعلامیه جهانی حقوق کودک سال ۱۹۵۹ راجع به حقوق کودک مطالب مهمی ذکر گردیده است ولی تعریف مشخصی از کودک در آن دیده نمی‌شود.

۱-۲- هرزه‌نگاری

واژه انگلیسی Pornography برگرفته از کلمه یونانی Soanes & Pornographos، متشکل از دو واژه Porno به معنای روسپی و Graph به معنای نوشتن داستان روسپی‌های یونان باستان بوده است. اکنون این کلمه مفهومی گسترده یافته و عکس‌ها، انیمیشن، صدای ضبط شده، فیلم، بازی‌های رایانه‌ای مستهجن را نیز در بر می‌گیرد. عبارت هرزه‌نگاری برای اولین بار در سال ۱۸۵۸ میلادی وارد فرهنگ لغت آکسفورد شد. این فرهنگ لغت، هرزه‌نگاری را "هر نوع مطلب چاپی و محصول دیداری و نمایشی با هدف تحریک هیجان جنسی" تعریف کرده است.

اینترپل^۱، هرزه‌نگاری کودک را "به نمایش گذاشتن استعمار جنسی کودک با تمرکز بر نمایش اندام جنسی و یا فعالیت جنسی کودک" تعریف کرده است. پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در زمینه فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان در سال ۲۰۰۰ میلادی، هرزه‌نگاری را "هرگونه نمایش مشارکت کودک در فعالیت جنسی بگونه‌ای واقعی و یا شبیه‌سازی شده، و یا نمایش اندام جنسی کودک با اهداف جنسی؛ با هر وسیله‌ای" تعریف کرده است.

بوداپست، ۲۰۰۱ میلادی با ارائه تعریفی جامع‌تر، هرزه‌نگاری کودک را تصاویر و نمایش دیداری هرزه‌نگارانه تشریح کننده موارد ذیل می‌داند:

- کودک یا فردی که کودک قلمداد می‌شود در حال انجام عمل جنسی است؛
 - تصاویر واقعی وانمود کند که کودکی در حال انجام اعمال صریح و آشکار جنسی است.
- قانونگذار ایران نیز در هیچ یک از متون قانونی واژه هرزه‌نگاری را بکار نبرده است. در قانون مجازات اسلامی عبارات «جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی» و «منافی عفت عمومی» به این معنا بکار گرفته شده است. فصل هجدهم قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی» بطور ضمنی هرزه‌نگاری را ساختن نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما یا بطور کلی هر چیزی دانسته است که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید. با تصویب قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند در سال ۱۳۷۲ برای اولین بار واژه‌های مستهجن و مبتذل جایگزین عبارت منافی عفت عمومی گردید. براساس تبصره پنج بند الف ماده (۳) این قانون، «آثار سمعی و بصری مستهجن»، به آثاری اطلاق می‌شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا

¹ Interpol

نمایش آمیزش جنسی باشد. براساس تبصره یک بند ب ماده (۳)، «آثار سمعی و بصری مبتذل به آثاری گفته می‌شود که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت اسلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند». در تبصره (۵) بند ب ماده (۳) قانون مصوب سال ۱۳۸۶ با عنوان قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند، واژه مستهجن دقیقاً مانند قانون سال ۱۳۷۲ تعریف شده است. لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان سال ۱۳۸۳ هجری شمسی نیز هرزه‌نگاری را استفاده از کودکان و نوجوانان در تهیه و تولید هر نوع تصویر یا محتوای واقعی یا مجازی که در آن فعالیت جنسی، اندام جنسی یا برهنگی کودکان و نوجوانان برای مقاصد جنسی به نمایش گذاشته می‌شود؛ تعریف کرده است. سیر زمانی قانونگذاری کیفری در زمینه هرزه‌نگاری حاکی از این است که «قانون جرائم رایانه‌ای» مصوب سال ۱۳۸۸ (مواد ۷۲۸ به بعد قانون مجازات اسلامی) به اراده واقعی قانونگذار نزدیک‌تر است. باتوجه به تبصره (۱ و ۴) ماده (۱۴) این قانون، می‌توان جدیدترین تعریف مقنن از هرزه‌نگاری را تهیه محتویات و آثار مبتذل یا مستهجن دانست. «مبتذل» به مفهوم داشتن صحنه و صور قبیحه و «مستهجن» به مفهوم تصویر، صورت یا متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی است که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان باشد. همچنان واژه نامفهوم و مبهم «صور قبیحه» و بی‌توجهی قانونگذار به حمایت از کودکان پابرجاست.

۳-۱- بزه‌دیدگی جنسی کودک

یکی از اقسام بزه‌دیدگی که تاکنون کمترین چاره‌ای برای آن ارائه شده است، موضوع بزه‌دیدگی جنسی به ویژه در دوران کودکی و به صورت کودک‌آزاری جنسی است. کودک‌آزاری زمانی اتفاق می‌افتد که هرگونه فعل و یا ترک فعل قابل اجتناب، سلامت جسمی، روانی و عاطفی کودک را تحت تأثیر قرار دهد. براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی کودک‌آزاری جنسی عبارت است از هرگونه بدرفتاری فیزیکی و یا عاطفی، سوءاستفاده جنسی، غفلت یا رفتار همراه با بی‌توجهی یا استثمار تجاری یا سایر انواع استثمار، که منجر به آسیب واقعی یا احتمالی به سلامت، بقاء، رشد یا کرامت کودک در زمینه روابط یا مسئولیت، اعتماد یا قدرت شود. همچنین بزه‌دیدگی جنسی عبارت است از تحمیل عمل جنسی علیه کودکی که فاقد تحول شناختی - هیجانی و جسمی است. بزه‌دیدگی جنسی کودکان شامل موارد استفاده از کودک برای تحریک جنسی بزرگسالان، اغوا یا اجبار کودک به انجام فعالیت جنسی، تهیه مطالب پورنوگرافی از کودکان، انجام فعالیت جنسی در حضور کودکان (مثال: پاتوق فحشا و...)، نشان دادن تصاویر پورن به کودکان، لذت‌جویی از کودکان همراه با دخول، لمس آلت تناسلی بدون دخول، تفریض و رابطه جنسی دهانی می‌باشد (لیلا، ۱۳۸۶).

۴-۱- فضای سایبری

از لحاظ لغوی در فرهنگ‌های مختلف سایبر به معنی مجازی و غیرملموس و مترادف با لغت انگلیسی Virtual است که باتوجه به گستردگی مفهوم سایبر و اطلاق آن به تمام افعال و اقدامات واقع شده در محیط شبکه‌های بین‌المللی از جمله اینترنت و بی‌شمار بودن مصادیق سایبر به توصیه متخصصان و دانشمندان صاحب نام این رشته، یافتن لغت معادل یا ترجمه آن به زبان‌های دیگر، به دلیل مفهوم لغوی این واژه در سطح بین‌المللی، مجاز نیست چراکه ممکن است دایره شمول و مفهوم آنرا محدود کند؛ به همین دلیل برگردان آن به فارسی نیز کمی مبهم است؛ سایبر یعنی علم فرمان، یعنی هوش مصنوعی و شاید از نظر اهل فن یعنی دنیای صفر و یک. از محیط سایبر نیز تعاریف گوناگونی بعمل آمده است که می‌توان در مجموع محیط سایبر را چنین تعریف کرد. محیط مجازی و غیرملموس موجود در فضای شبکه‌های بین‌المللی که در این محیط تمام اطلاعات راجع به روابط افراد، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، کشورها و بطور کلی هرآنچه در کره خاکی به صورت ملموس و فیزیکی وجود دارد در یک فضای مجازی به شکل دیجیتالی وجود دارد و قابل استفاده و دسترس استفاده‌کنندگان و کاربران است و از طریق رایانه، اجزای آن و شبکه‌های بین‌المللی به هم مرتبط هستند (صبوری خسروشاهی و آذرگون، ۱۳۹۶).

واژه سایبر در اصطلاح به همه محیط‌هایی گفته می‌شود که اساس فعالیت آنها بر مبنای پردازش و طبق سامانه صفر و یک کار می‌کنند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹). واژه سایبر در فارسی به مجاز و مجازی ترجمه شده است؛ اما این ترجمه گویای دقیق این واژه نیست زیرا محیط سایبر محیطی است حقیقی و واقعی نه دروغین و مجازی و فقط به شکل مادی و ملموس احساس شدنی نیست و این نکته کافی نیست که به آن مجاز و مجازی اطلاق شود (زندى، ۱۳۹۳).

همچنین جرم سایبری نوعی از جرم است که با استفاده از رایانه، یا درون فضای سایبر و یا علیه رایانه دیگری واقع می‌شود. هرچه وابستگی انسان به رایانه، شبکه و اینترنت بیشتر شود، زمینه توسعه جرائم سایبری نیز آماده‌تر می‌گردد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۹).

۲- بزه‌دیدگی اطفال در مواجهه با جرائم جنسی

۲-۱- جرائم جنسی ارتكابی علیه کودکان

جرم جنسی عبارت است از هرگونه روابط جنسی است که از حدود متعارف قوانین کیفری فراتر و مستلزم عقوبت و مجازات باشد. از واژه جرائم جنسی در قانون مجازات اسلامی بطور مستقیم مورد اشاره قانونگذار قرار نگرفته است لکن در مواد مختلفی از قوانین کیفری مورد توجه قانونگذار بوده و از جمله آن می‌توان در

بخش حدود به زنا، لواط، مساحقه، قoadی و قذف و در فصل هجدهم بخش تعزیرات با عنوان جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی اشاره کرد. بر این اساس در حقوق ایران، جرائم مرتبط با هرزه‌نگاری و فروش کودکان را می‌توان زیر سه عنوان کیفری جرائم مشمول حد، دیه و تعزیر به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

- اعمال مجرمانه مشمول حد (زنا)

زنا از جمله جرائم حدی و دارای صور متعددی است و مجازات‌های پیش‌بینی شده برای آن از شلاق تا اعدام است. حد زنا زمانی تحقق می‌یابد که دخول واقع شود، در غیر اینصورت اعمالی چون تخفیز و مانند آن تنها موجب تعزیر خواهد شد و بدان عنوان زنا اطلاق نمی‌شود (الجبلی العاملی، ۱۴۱۳ه.ق). از سویی مولج یا به عبارت بهتر فاعل زنا باید بالغ باشد (مجلسی، بی‌تا)؛ بنابراین اگر کودک آلت خود را در فرج زنی داخل کند فقط او را تأدیب می‌کنند، اما حد بر زن (طرف دیگر بالغ) ثابت می‌شود. اگر کودک ولو ممیز اقرار به زنا کند، تنها تأدیب می‌شود، زیرا یا دروغ گفته یا این کار را واقعاً انجام داده است، که در هر دو مورد حد از وی ساقط است، علاوه بر آنکه اقرار صبی اعتباری ندارد. خوشبختانه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در بحث مربوط به زنا، طفل مورد توجه بیشتری واقع شد. تبصره (۲) ماده (۲۲۱)، زنا را در مواردی که یکی از طرفین یا هر دو نابالغ باشد محقق می‌داند؛ لیکن برای مجازات نابالغ، اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته شده است. البته اینکه آیا حقیقتاً اگر هریک از طرفین نابالغ باشند؛ باتوجه به شرایط جسمانی و مهمتر از آن قدرت درک^{۱۰۳} و اراده می‌توان عمل آنها را منطبق با تعریف زنا دانست یا خیر خود جای تأمل است.

در ادامه تبصره (۲) ماده (۲۲۴) این قانون بیان می‌دارد: «در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن، اگرچه موجب تسلیم شدن او شود، حکم فوق (اعدام) جاری است». در این ماده دلیل اینکه چرا دختر نابالغ از زن تفکیک شده و آیا می‌توان ربایش، تهدید، یا ترساندن را به دختر نابالغ تعمیم داد جای شبهه را باقی گذاشت. اما اتفاقی که در ماده (۲۲۸) رخ داد، تقریباً تکرار تبصره ماده (۸۳) ق.م.ا. ۱۳۷۰ است که بیان می‌داشت: «زنای زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است». در ماده (۲۲۸) قانون جدید نیز «در زنا با محارم نسبی و زنای محصنه، در صورتی که زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه تنها صد ضربه شلاق تعیین شده است».

باتوجه به اینکه تبصره (۲) ماده (۲۲۱) زنا را در مواردی که یکی از طرفین یا هر دو نابالغ باشند، محق دانسته است و نیز اینکه زنا با محارم نسبی طبق ماده (۲۲۴) موجب اعدام است، در خصوص زنای با نابالغ، در واقع طفل بودن مجنی علیه عامل مخفف‌های برای مجازات زانیه محسوب شده است. به علاوه هنوز هم از طفل مونث در مقابل مرتکب بالغ مذکر در شرایطی که عنف، اغفال و ... نباشد، حمایت خاصی نگردیده است. بطور کلی حتی اگر بتوان گفت قانون جدید در این زمینه گامی به پیش رفته است اما باز هم ضرورت حمایت

و مقابله با بزه‌دیدگی اطفال اقتضا می‌نماید که مذاقه بیشتری نسبت به نکات ظریف این مسئله صورت گیرد. مسلماً قوانینی که تاکنون بعنوان قوانین کیفر اسلامی به تصویب رسیده جامع همه مقررات مورد نیاز نیست و ناچار در موارد بسیاری می‌توان به منابع معتبر فقهی و فتاوی فقهای عظام مراجعه نمود. چنان که بعنوان مثال در خصوص زناى مرد بالغ با دختر صغیره، امام خمینی ثبوت رجماً بعید ندانسته‌اند (خمینی، بی‌تا). آیت‌اله خوئی نیز ضمن بیان اختلاف نظر به جریان عموم حکم در هر حال تعیین مجازات شدید یا اعمال کیفیات مشدده: یعنی رجم نظر داده‌اند (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ ه.ق). در اینگونه جرائم با اهمیت نه تنها غیرمنطقی نیست بلکه از ضروریات هر قانون است.

- لواط

ارتباط نامشروع میان دو مرد عاقل، بالغ و مختار است و هرگاه این جرم علیه کودک رخ دهد، بالغ کشته می‌شود و فرد نابالغ، طبق نظر و رأی حاکم تأدیب می‌شود. اگر پسر بچه با پسر بچه لواط کنند، هر دو تأدیب می‌شوند (خمینی، بی‌تا). زیرا مناط حدود در معاصی، تکلیف است و طفل فاقد این شرط است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ ه.ق). بنابراین بطور کلی می‌توان گفت، در لواط اگر فاعل و مفعول بالغ باشند کشته می‌شوند، اما در صورتیکه هر دو یا یکی از آنها کودک یا غیرمکلف باشد، بالغ کشته و کودک صرفاً تأدیب می‌شود. در جرایم جنسی که علیه اطفال ارتکاب می‌یابد؛ لواط زشت‌ترین و زیانبارترین آنهاست چراکه علاوه بر صدمات جسمانی و روانی وارده بر طفل، خانواده‌ها را از هم می‌پاشد و جامعه را به نیستی می‌کشد و رذایل اخلاقی را در میان مردم گسترش می‌دهد (اباذری فومشی، ۱۳۷۹). به همین دلیل در حقوق ایران کیفرهای سخت و قاطعی برای مرتکب آن در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که بزه‌دیده این جرم تنها می‌تواند طفل مذکر باشد چراکه در قوانین جزایی ایران نزدیکی با دختر صغیره اعم از قبل و دبر هردو زنا محسوب می‌شوند نه لواط.

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در مواد (۱۱۲ و ۱۱۳) به نوعی از طفل بزه‌دیده در برابر جرم لواط حمایت شده بود. لیکن در ق.م.ا ۱۳۹۲ در باب لواط صراحتاً ذکرى از طفل یا نابالغ به میان نیامده است. تنها ماده (۲۳۴) بیان می‌دارد: «حد لواط برای فاعل، در صورت عتف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است». می‌توان از حکم ماده (۲۳۴) اینگونه استفاده کرد که باتوجه به اینکه مطابق نظر فقهاء هیچگونه رضای موثری در طفل غیرمميز به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ چنانچه فردی نسبت به چنین طفلی مرتکب عمل منافی عفت شود، در حکم اکراه است (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ ه.ق). ولی متأسفانه از طرفی از نظر قانون مدون فعلی، طفل ممیز از حیث امکان اکراه همانند بزرگسالان تلقی گردیده و اگر به نوعی نشانه‌ای از رضایت طفل ممیز دیده شود، مجازات فاعل باز هم به دلیل این قوه تمیز از اعدام به صد ضربه شلاق تقلیل یافته است.

- تفخیز و مساحقه

در ماده (۲۳۸) قانون مجازات اسلامی تعریف شده و در صورتیکه مساحقه کننده بالغ و عاقل باشد حد سحق بر وی جاری می‌شود. اگر نابالغ مبادرت به ارتکاب این عمل ورزد یا زن بالغ با دختر بچه مساحقه نماید، نابالغ فقط تأدیب می‌شود و بالغ حد می‌خورد (النجفی، ۱۴۰۴ ه.ق)، در قانون مجازات اشاره‌ای به ارتکاب سحق توسط نابالغ نشده است. از آنجا که مساحقه همچون زنا، لواط، قیادت و مانند آن از جمله جرائم حدی به حساب می‌آید، کودک با ارتکاب آنها مبری از حد بوده و به جای آن تأدیب می‌شود. از آنجائیکه تفخیز در خصوص جنس مذکر انجام می‌شود، لذا مرتکب و بزه‌دیده این جرم تنها اشخاص مذکر می‌باشند. در خصوص جنس مؤنث، عنوان مساحقه مطرح می‌گردد. میزان حد در هر دو صد تازیانه برای هریک از طرفین می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همانند قانون قدیم، این دو جرم بگونه‌ای کلی پیش‌بینی گردیده بدون اینکه در خصوص تحقق این جرائم نسبت به طفل حمایت ویژه‌ای به عمل آمده باشد. نکته جالب اینکه ماده (۲۳۶) برای تعیین حد چه در تفخیز و چه در مساحقه هیچ تفاوتی بین علف و غیرعلف قائل نشده است. در نتیجه تفخیز با اطفال همان صد تازیانه را خواهد داشت. حقیقتاً منطقی به نظر نمی‌رسد که تفاوتی در نظر گرفته نشود. تعیین مجازات اشد در صورتی که مفعول طفل نابالغ باشد غیرقابل انکار و ضروری می‌بود. این امر از این حیث مورد انتقاد است که افراد بزرگسال بچه باز به جهت آنکه ممکن است آثار و تبعات لواط در کودکان ۱۰۵ و کشف آن آثار موجب آشکار شدن جرم ارتكابی آنها گردد، بیشتر به تفخیز با اطفال روی می‌آورند و از این‌رو اطفال در معرض آسیب‌پذیری و خطر زیادتری واقع خواهند بود.

- قیادت

عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است. قانونگذار در تبصره ۱ ماده (۲۴۲)، متذکر شده حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است و در غیر اینصورت عامل، مستحق تعزیر است. بنابراین در صورتی که کسی دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند، موجب حد نیست؛ اما مرتکب به مجازات تعزیری متناسب با جرم و شخص مجرم محکوم می‌شود. چه اینکه امکان تحقق جرم اصلی که همانا زنا یا لواط است از سوی کودکان بطور قانونی متصور نیست و شارع مقدس در صورت ارتکاب این اعمال از سوی آنها قائل به اجرای حد در خصوص ایشان نیست. این حکم با لزوم حمایت از کودکان مغایرت داشته و تخفیف مجازات مرتکب قوادی علیه کودکان وجهی ندارد. قذف، به معنای نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر است و فقها در بحث شرایط قذف، از بلوغ و در نتیجه به ارتکاب این جرم بواسطه کودکان اشاره کرده‌اند. قاذف باید بالغ و عاقل باشد و اگر کودک ولو ممیز، کسی را قذف کند، مطابق اخبار وارده و قاعده رفع، تکلیف از کودک برداشته شده (خمینی، بی‌تا)، فقط تعزیر می‌شود. مقدار تعزیر و تأدیب به نظر حاکم شرع بستگی

دارد؛ در هر حال بر کودک مسلمانی که بالغی را قذف کند، حد جاری نمی‌شود (النجفی، ۱۴۰۴ ه.ق). مواد (۲۵۳ و ۲۵۱) قانون یاد شده به موجب حد قذف اشاره کرده و اگر قاذف نابالغ نسبت قذف به دیگری دهد، تعزیر می‌شود و در مقابل قذف شونده نیز حین قذف، باید بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیرمتظاهر به زنا یا لواط باشد و اگر نابالغ باشد، قاذف فقط تعزیر می‌شود.

- اعمال مجرمانه مشمول دبه

از بین بردن بکارت دختر باکره از طریق مقاربت یا هر وسیله دیگر وفق ماده (۶۵۷) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم است. این جرم در صورتی محقق می‌شود که رابطه زوجیت بین زن و مرد نبوده و بدون رضایت صورت گرفته باشد. دلیل درج این حکم، امکان ازدواج کودک پیش از سن ۱۸ با رعایت ماده (۱۰۴۳) قانون مدنی است. رضایت دختر نابالغ یا مجنون یا مکرهی که رضایت واقعی نداشته در حکم رضایت نداشتن است. باکره بودن یا در حکم باکره بودن دختر برای تحقق این جرم لازم است. احراز سوء نیت مرتکب تنها به صورت عمد در فعل ضروری است و ازاله بکارت بواسطه غیرشوهر، کار حرامی است که به آن تعزیر تعلق می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق). ماده (۶۵۸) قانون مجازات اسلامی به ازاله بکارت از طریق غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت اشاره می‌کند، از فحواى تبصره دوم همین ماده بر می‌آید که نابالغ نیز ذیل این مسئله می‌گنجد.

۱۰۶

- اعمال مجرمانه مشمول کیفر تعزیری

روابط نامشروع مادون حد (ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، شامل اعمال منافی عفتی نظیر تقبیل و مضاجعه است. میزان مجازات مقرر در این جرم، شلاق درجه ۶ است. رفتار فیزیکی این جرم باید با «فعل یا رفتار مثبت» جنسی و جسمی انجام پذیرد. از شرایط تحقق این جرم، بلوغ شرعی مرتکبان است. همچنین عناوین مجرمانه یاد شده، تظاهر به فعل حرام (ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، دایر کردن مراکز فساد یا فحشا (ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵)، و تجارت، توزیع و انتشار محتوای متضمن فساد و فحشا مشمول مجازات تعزیری هستند. تظاهر به فعل حرام همراه با جریحه‌دار کردن عفت عمومی است. البته هتک حرمت باید به درجه‌ای باشد که قابل مسامحه نبوده و به دلیل استعمال کلمه عفت در عنوان، این جرم مربوط به مثال جنسی و ناموسی باشد. عبارت هرکس در صدر ماده ۶۳۸، کودکانی که به سن بلوغ رسیده‌اند را نیز شامل می‌شود. لکن کودکان در صورت ارتکاب به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در مواد (۸۹ و ۸۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می‌شوند. همچنین مطابق با ماده (۱۴) قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، هرکس بوسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند،

به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. وفق این قانون، محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است. برخی جرائم مانند قاچاق انسان^۱، خرید و فروش و بهره‌کشی و بکارگیری کودکان برای اعمال مجرمانه، آدم‌ربایی و کودک‌ربایی نیز ممکن است با هدف سوء استفاده جنسی از فرد صورت پذیرد که بعنوان جرائم مرتبط با فحشا علیه کودکان قابل بحث است. بر همین اساس برای نمونه، ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳، قاچاق انسان را خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج معرفی کرده است. خشونت جنسی گفتاری نیز «گفتار شهوانی» و یا «گفتار خشونت‌آمیز» است. هرگاه مرتکب با مخاطب قرار دادن فردی، الفاظی را که متضمن مسائل و معانی جنسی است بیان کند مرتکب گفتار شهوانی می‌شود و با مخاطب قراردادن فرد به منظور ارضای غریزه جنسی و لذت‌جویی از الفاظ زشت، رکیک، توهین‌آمیز، تهدیدآمیز و مانند آن استفاده کند نیز مرتکب گفتار خشونت‌آمیز خواهد بود. هرچند در نظام حقوقی کشورمان بنابر آنچه گذشت فهرست طولانی از جرائم جنسی وجود دارد و لکن دو ایراد بر نظام تقنین کشور ۱۰۷ وارد است؛ نخست آنکه اعمال مجازات به تنهایی راهگشا نبوده و مجازات شدید به خصوص اعدام، کمکی به کاهش موارد بزه‌دیدگی جنسی کودکان نکرده، بنابراین توسل به اقدامات پیشینی در قالب پیشگیری از ارتکاب این جرائم علیه کودکان ضروری است. همچنین اقدامات پیشگیرانه یاد شده از بزهکاری کودکان در جرائم جنسی نیز پیشگیری خواهد کرد و امکان اعمال مجازات علیه ایشان ولو به صورت تعزیری را کاهش خواهد داد که این امر در موافقت با تعهدات بین‌المللی کشورمان در کنوانسیون حقوق کودک است.

۲-۲- بزه‌دیدگی کودک در فضای سایبری و علل آن

درباره اینکه چرا کودکان و نوجوانان در قبال جرائم و سوء استفاده‌ها خیلی آسیب‌پذیرند، می‌توان به برخی از مهمترین دلایل آن اشاره نمود: ضعف فیزیکی؛ فقدان آگاهی، تجربه و ضعف خودکنترلی؛ نرمش‌ها یا ضمانت‌های اجرایی ضعیف علیه بزه‌دیدگی؛ فقدان حق انتخاب برای کودکان در تعیین سرپرست‌شان یا موارد دیگر و یا ضعف توانایی آنها در انتخاب.

^۱ ماده ۳ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۰۹/۲۵ و ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳/۰۴/۲۸

در چند دهه اخیر همواره توجه ویژه به حقوق و حمایت‌های مختلف از کودکان و نوجوانان شده است. آسیب‌پذیری این قشر نسبت به سایر گونه‌های بزه‌دیده از آن جهت حائز اهمیت است که کودکان و نوجوانان در روند رشد خود خصوصاً عبور از دوره نوجوانی به بزرگسالی بیشتر در معرض خطر بوده و هرگونه آسیب، به ویژه در زمان جامعه‌پذیری، آینده‌ای همراه با بزهکاری و یا بزه‌دیدگی‌های مکرر و در برخی هر دو حالت را به همراه خواهد داشت (حاجی ده‌آبادی و یوشی، ۱۳۹۲).

بطور کلی کودکان به لحاظ شرایط خاص جسمانی، روانی و عاطفی در معرض انواع سوءاستفاده‌ها و بزه‌دیدگی - ها قرار دارند، اما برخی از کودکان و نوجوانان صرف‌نظر از شرایط مذکور، به خاطر قرار گرفتن در موقعیت‌ها و اوضاع و احوال مخاطره‌آمیز بیش از پیش در معرض انواع بزه‌دیدگی‌ها قرار دارند که از آن می‌توان تحت عنوان کودکان و نوجوانان در معرض خطر یا کودکان آسیب‌پذیر یاد کرد (مهدوی و حسینی‌کیا، ۱۳۹۲). پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم از یکسو و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای از بین بردن یا کاهش جرم در قالب برنامه ملی از سوی دیگر، از موثرترین روش‌های کاربردی پیشگیری از جرم به شمار می‌آیند. تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم، مستلزم فرآیندی است که با در نظر گرفتن آن، سازوکارهای مهار جرم در هر جامعه مشخص شده و سپس به اجرا در می‌آیند. در همین خصوص شرکت‌های امنیت خصوصی نیز از طریق مراقبت و نگهداری و سازوکارهای کنترل ورودی‌ها و هشداردهنده‌ها، در پیشگیری از جرم مشارکت می‌کنند. در واقع پیشگیری از جرم گاهی آگاهانه و گاهی بطور ناخودآگاه توسط واحدهای تأمین امنیت ادارات و پلیس اعمال و اجرا می‌شود (میانجی و عابدی، ۱۳۸۹).

۲-۳- عوامل بزه‌دیدگی اطفال در فضای مجازی

فضای مجازی در درجه اول یک پدیده ارتباطی محسوب می‌شود که این ویژگی در درازمدت بر روی بازتعریف شخصیت فرد تأثیرات زیادی خواهد داشت که امروزه ما تغییر شخصیت کاربران این شبکه‌ها در جامعه را بطور ملموسی مشاهده می‌کنیم. تاثیر دیگر فضای مجازی این است که به تک تک کاربران خود هویت کاذب و غیرواقعی می‌دهد افرادی که در داده‌ها، مرادات و گفتگوهای خود تنها به فضای مجازی بسنده می‌کنند خود به خود به لحاظ هویتی یک هویت کاذب پیدا کرده و به سمت توهم‌پردازی و خیال‌بافی می‌روند که این معضل باعث می‌شود که غالب کاربران این فضا قادر نباشند تصمیمات مناسب، به هنگام، عینی و واقعی در زندگی خود بگیرند. بررسی‌ها نشان داده است که شخصیتی که این فضا به کاربران فضای مجازی می‌دهد تا حد زیادی با شخصیت اصلی فرد متفاوت است؛ یک کاربر می‌کوشد تا نداشته‌های خود را به صورت مجازی نمایش دهد و یا اینکه تحت تأثیر مقایسه خود با سایر کاربران قرار گرفته و از شخصیت‌های کاذب دیگران برای شکل دادن شخصیت مجازی خود استفاده کند؛ در این فضا امکان بروز بسیاری از جرائم و جنایات برای

فرد ایجاد می‌گردد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین تأثیری که شبکه اجتماعی می‌تواند در درازمدت بر افراد بگذارد گرفتن انواع نبوغ و خلاقیت و نوآوری از افراد است که موجب کاهلی، افسردگی و بروز یک سری حالات روانی غیرقابل قبول و غیرعادی در فرد می‌شود. این حالات روانی غیرقابل قبول و غیرعادی در فرد می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از رفتارها و ناسازگاری‌ها در خانواده‌ها شود که با ادامه این حالات و پایین آمدن آستانه تحمل افراد یک خانواده، زمینه جدایی اعضای یک خانواده از هم شروع شود.

مهمترین علل جرائم و انحرافات کودکان و نوجوانان در فضاهای مجازی از منظر جرم‌شناسی عبارتند از:

- عدم آگاهی از ساختار و چگونگی کارکرد فضای سایبری

سهل‌الوصول شدن استفاده از سایت‌های اینترنتی و همچنین عضویت در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام موجب شده تا طیف گسترده‌ای از اقشار کودک و نوجوان به راحتی در این فضاهای تبادل اطلاعات عضو شوند، بدون اینکه آگاهی کافی و درستی از شرایط، امکانات و چگونگی کارکرد هریک از این فضاها داشته باشند. برای مثال بسیاری از کاربران شبکه اجتماعی از برخی امکانات این شبکه در مورد اینکه چه طیفی از کاربران این شبکه قادر به دیدن عکس‌های وی هستند یا می‌توانند اطلاعات خصوصی وی را مشاهده کنند مطلع نیستند. لذا به راحتی به انتشار و اشتراک‌گذاری مطالب و محتوای خصوصی خود دست می‌زنند و همین باعث سوء استفاده برخی کاربران فرصت‌طلب می‌شود.

۱۰۹

- عدم آگاهی والدین نسبت به فضای تبادل اطلاعات

بسیاری از والدین باتوجه به اختلاف سنی و شرایط متفاوت دوران رشد خود و تفاوت‌های فاحش ارزشی حاکم بر دنیای آنها با دنیای فرزندان خود، از آسیب‌ها و فرصت‌های شبکه مجازی غافلند. لذا قادر به مدیریت و درک درست رفتارهای فرزندان خود نبوده و این عامل باعث تشدید در معرض آسیب قرار گرفتن فرزندان می‌شود.

- عدم آگاهی کاربران از قوانین و جرائم فضای تبادل اطلاعات

باتوجه به نوپا بودن شبکه‌های اجتماعی و گستردگی سیل‌وار کاربران این شبکه طی چند سال، بتدریج جرائم فضای سایبری در حال عیان شدن است، اکثر کاربران اینترنتی از قوانین شبکه‌های اجتماعی سایبری؛ پس از انتشار محتوایی که به نظر آنها، امری عادی و غیرمجرمانه تلقی می‌شود، بعنوان مجرم احضار یا دستگیر شوند که این عدم آگاهی در جای خود باعث افزایش جرائم این فضا می‌شود (کرامتی معز و همکاران، ۱۳۹۶).

۳- پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی اطفال

یکی از دغدغه‌های جامعه، که امروزه به معنای واقعی به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است، پدیده رو به افزایش بزه‌دیدگی کودکان است. کودکان نسبت به بزرگسالان آسیب‌پذیری بیشتری دارند و به همین دلیل بیش از سایرین آماج جرائم مختلف قرار می‌گیرند. قرار گرفتن کودکان در معرض جرائم، نه تنها آنها را در زندگی فردی، با مشکلات عدیده روبرو می‌کند؛ بلکه، به این دلیل که بسیاری از کودکان بزه‌دیده امروز، بزه‌کاران فردا هستند، جامعه را نیز در معرض خطری جدی و جبران‌ناپذیر قرار می‌دهد. از اواخر قرن نوزدهم ارتکاب جرم و جنایت از ناحیه کودکان و نوجوانان در کشورهای بزرگ صنعتی جلب توجه نموده است. بدون شک علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، یکی از علل افزایش بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان در دهه‌های اخیر را شاید بتوان رشد فراگیر رسانه‌های دیداری همانند تلویزیون، ماهواره، اینترنت و ... دانست. یکی از بارزترین نمونه‌های بزه‌دیدگی کودکان، بزه‌دیدگی جنسی یا کودک آزاری جنسی است که در ردیف زنا با محارم؛ مساحقه؛ لواط و ... قرار می‌گیرد با این تفاوت که جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی ندارد و توجه زیادی به این جرم و مجازات آن نسبت به جرم‌های دیگر در قانون اساسی نشده است و حتی کودک‌آزاران به نسبت کودکانی که مورد بزه‌دیدگی واقع می‌شوند بیشتر مورد حمایت قرار می‌گیرند. پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی کودکان بعنوان نخستین راه‌حل در زمینه تقلیل بزه علیه کودکان و همچنین جلوگیری از تکرار بزه بر روی کودکان که چنین تجربه تلخی دارند دارای اهمیت فراوانی است.

۳-۱- پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی بعنوان یکی از مصادیق پیشگیری غیرکیفری، شامل اقداماتی است که بر کلیه محیط‌های موثر در جامعه‌پذیری فرد و همچنین محیط‌هایی که دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیرگذار است. از این‌رو، در پیشگیری اجتماعی به دنبال هماهنگ‌سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم. در این نوع پیشگیری، ریشه‌های بزهکاری هدف قرار می‌گیرد تا از این طریق مانع شکل‌گیری علل بزهکاری گردد. به این ترتیب پس از شناسایی و تعیین علل اجتماعی ارتکاب جرم، اقدام به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری به منظور از بین بردن این علل و اصلاح آن می‌نماید، تا از این طریق از ایجاد تمایلات و انگیزه‌های مجرمانه در افراد جلوگیری کند. از جمله عوامل ریشه‌ای موثر در وقوع بزه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و غیره می‌باشد که در شکل‌گیری شخصیت، رفتار، سازگاری یا ناسازگاری فرد با قواعد اجتماعی موثر است. کودک‌آزاری، جرمی است که ریشه عوامل به وجود آورنده آن اغلب در اجتماع است. این جرم می‌تواند در محیط خانواده و همچنین در محیط خارج از خانه نظیر مدرسه ... صورت پذیرد. در خانه والدین و در اجتماع اشخاص غریبه باید از نظر عوامل موثر در وقوع آن مورد بررسی قرار گیرند. دانشمندان معتقدند هرگونه تغییری که در

شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی مستقیماً بر فرد اثر می‌گذارد، جرائم مختلف را شکل می‌دهد یا آنها را از بین می‌برد. جرم‌شناسی، واکنش‌های نابهنجار را نتیجه شرایط نابهنجار می‌داند و معتقد است در صورت فراهم‌سازی محیط سالم و مساعد رفتارها بیهنجار می‌شود.

– محیط اجتماعی عمومی

محیط اجتماعی عمومی، در ارتباط با همه افراد جامعه است و دارای آثار مشترکی برای آنها می‌باشد. با توجه به نقش حساس و پراهمیت این محیط بر تکامل شخصیت و واکنش مناسب افراد جامعه، در ابتدا باید به دنبال رفع کمبودها و ضعف‌های موجود، در زمینه مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره همت گماشت. اهتمام به سالم‌سازی محیط اجتماعی و فراهم کردن زمینه تحقق آن توسط دولت، اگر به پیشگیری کامل از رفتار مجرمانه نینجامد، دستکم دامنه و اشکال بزه‌دیدگی اطفال را کاهش می‌دهد و این گروه را در برابر رفتارهای معترضانة محافظت خواهد کرد. از جمله موارد تأثیرگذار در پیشگیری اجتماعی، بهبود وضعیت اقتصادی و در نتیجه معشیت خانواده است. از آنجا که امنیت و رفاه افراد جامعه در بهبود شرایط زندگی آنها نقش بسزایی دارد، قانون اساسی در اصول مختلف سیاست‌های اقتصادی را در جهت بهبود وضعیت معیشتی مردم و رفع فقر و نابرابری مقرر نموده است. بعنوان مثال در بند (۱۲) اصل سوم قانون اساسی آمده است:

«پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق شرایط اسلامی جهت رفاه و دفع فقر و برطرف ساختن هرنوع محرومیت در زمینه تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه از وظایف دولت است.»^{۱۱۱}

همچنین در بند (۳۴) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه آمده است: «تنظیم همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی برپایه عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات در رفع محرومیت از قشرهای کم درآمد از اهداف قانون برنامه پنجم توسعه می‌باشد.»

اصل (۴۳) قانون اساسی، تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی و بعنوان اهداف اقتصادی را مدنظر قرار داده است. اصل (۲۹) قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «قانون اساسی در راستای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده و تأمین نیازهای اساسی اصولی را مقرر نموده است» و مطابق اصل دهم مبنای به حمایت از خانواده و تسهیل زندگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی تأکید دارد و براساس این اصل تأمین نیازهای خانواده از جمله وظایف و تعهدات ویژه دولت است. فقر و توزیع ناعادلانه ثروت به همراه فقر فرهنگی، زمینه بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان را در سطح جامعه فراهم می‌سازد. این عامل از جهت عدم توانایی در رفع نیاز فرزندان، استفاده از کودکان برای کسب و درآمد، تأثیر فشار اقتصاد بر والدین و در نتیجه کودک‌آزاری و ... از نتایج فقر اقتصادی است که در صورت کنترل و مهار آن می‌توان شاهد کاهش بسیاری از جرائم، به خصوص جرائم علیه کودکان و نوجوانان بود. از دیگر

عوامل زمینه‌ساز بزه‌دیدگی کودکان، بحث فرهنگی و آموزشی است. از آنجا که اصل سوم و همچنین اصل سی‌ام قانون اساسی ایجاد زمینه و فراهم‌سازی شرایط تحصیل را برعهده دولت گذاشته است، می‌توان آن را از جمله وظایف مهم و سرنوشت‌ساز دولت دانست. توانمندسازی معلمان و مربیان مدارس و مهدکودک‌ها در جهت پرورش قوای فکری و روحی دانش‌آموزان، آشنایی با روحیات کودک، برنامه‌ریزی در جهت آموزش حقوق کودک به دانش‌آموزان و آموزش موارد کودک‌آزاری و نحوه گزارش‌دهی و ... می‌تواند در جهت کاهش جرم کودک‌آزاری موثر باشد. همچنین مدرسه بعنوان مهمترین محیط اجتماعی پس از خانواده، باید با نیاپیداها را به دانش‌آموزان می‌آموزد و گاه زمینه آموزش والدین را بطور مستقیم یا غیرمستقیم فراهم می‌سازد. همچنین درخصوص آگاهی به حقوق شهروندی، آشنایی با مصادیق بزه‌دیدگی اطفال و اطلاعات لازم درخصوص کودک‌آزاری، عوارض و نحوه پیشگیری و درمان و همچنین لزوم گزارش‌دهی در موارد خاص و بطورکلی توانمندسازی حقوقی خانواده، کودکان و نوجوانان از طریق رسانه‌ها و نهادهای گروهی امکانپذیر است. در این راستا لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در بند ح ماده (۶) بیان می‌دارد: «سازمان بهزیستی کشور مکلف است با همکاری قوه قضائیه و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به منظور اخذ و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان و نوجوانان، امکانات لازم از قبیل سامانه‌های مخابراتی و رایانه‌ای را تهیه و موجبات توانمندسازی حقوقی مردم در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان و گزارش‌دهی جرائم علیه آنان را فراهم آورده و به طریق مناسب با همکاری سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و سایر رسانه‌ها و نهادهای مردمی مرتبط با کودکان و نوجوانان، نسبت به معرفی این سامانه اقدام کند».

۱۱۲

در این ماده با پیش‌بینی این سامانه، در جهت افزایش بار فرهنگی و حقوقی افراد جامعه و با هدف کاهش بزه‌دیدگی اطفال گام برداشته که امید است در صورت اجرایی شدن آن شاهد این نتیجه باشیم. از دیگر موارد زمینه‌ساز بزه‌دیدگی اطفال در جامعه، ضعف‌های سیاسی است. در قانون مجازات جدید با حذف حکم اعدام، طبقه‌بندی مجازات اطفال و نوجوانان و غیره سعی در کاهش نقص حقوقی کودک هستیم. همچنین در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز با اتخاذ رویه تشدید مجازات درخصوص مرتکبین جرائم علیه اطفال و نوجوانان هدف در پیشگیری بزه‌دیدگی و حمایت از اطفال را پیشرو دارد. بنابراین، پیشگیری اجتماعی در محیط عمومی از طریق فرهنگ‌سازی مناسب، اجرای سیاست اقتصادی عادلانه در جهت رفع یا کاهش فقر و تأمین امنیت مالی و رفاهی خانواده‌ها، ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی و پیش‌بینی راهکارهای مناسب در جهت مبارزه با نقض حقوق کودک در جامعه، سعی در کاهش بزه‌دیدگی این گروه آسیب‌پذیر دارد.

- محیط اجتماعی شخصی

اهمیت محیط شخصی در تربیت و تکامل شخصیت هر فرد حائز اهمیت است، چراکه قبل از ورود به اجتماع بزرگتر محیط شخصی نظیر خانواده بعنوان مهمترین نهاد اجتماعی نقش تأثیرگذاری دارد. این محیط شامل فضای تولد، رشد و تحول انسان شده و در هر شخص ویژگی‌های مختلفی دارد. به عبارت دیگر عوامل محیط اجتماعی هر شخصی با دیگری متفاوت است. فضای حاکم بر خانواده، نظیر اختلافات خانوادگی، طلاق والدین، وجود ناپدری و نامادری، فقدان فضای مسکونی مناسب، اعتیاد و ... از جمله عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت کودک است. بدیهی است این عوامل نیز می‌تواند از فرد یک آزارگر کودک بسازد. بنابراین سعی در بهبود سطح اقتصادی و برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشتی و سلامت و غیره در کاهش عوامل محیطی موثر در بزه‌دیدگی اطفال به خصوص در محیط خانواده موثر است.

با جلوگیری از ازدواج در سنین پایین، شخصیت مناسب قبل از ازدواج، درمان بیماری‌های جسمی یا روانی پیش از ازدواج، آشنایی با مهارت حل مشکلات زناشویی، استفاده از خدمات مشاورین در جهت حل مشکلات خانوادگی و غیره می‌توان تا حدودی از بروز اختلافات خانوادگی و جدایی، که سر منشاء بسیاری از آسیب‌ها می‌باشد، پیشگیری نمود. همچنین با آموزش و افزایش آگاهی و مهارت والدین قبل از اقدام به بارداری، ترک اعتیاد، توجه به بهداشت پیش از بارداری به دلیل تأثیرگذاری بر سلامت جنین، برخورداری مادر و طفل از ۱۱۳ حمایت و آموزش شخص با تجربه در روزهای ابتدایی تولد فرزند و پیگیری مشکلات روحی نظیر افسردگی پس از زایمان و ... می‌تواند نتیجه مثبتی در کاهش بزه‌دیدگی اطفال کم سن و سال داشته باشد.

باتوجه به نقش والدین در تربیت و شکل‌گیری شخصیت کودکان، سلامت روانی و جسمانی آنها لازم و ضروری است. در برخی موارد به دلیل مشکلات روحی یک یا هر دو والدین، مشکلات جسمانی، اعتیاد و ... کودک در شرایط آسیب‌پذیری بیشتری قرار می‌گیرد. در این موارد با ارائه خدمات درمانی و بهداشتی و یا خارج کردن فرزندان از اینگونه خانواده‌ها در مواردی که مصلحت اقتضا کند می‌توان از بزه‌دیدگی اطفال بیشتر پیشگیری کند. ماده (۳۹) لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی راهکار خارج ساختن کمک از محیط آسیب‌زا را پیش‌بینی نموده است. این ماده بیان داشته: «هرگاه حمایت و رعایت غبطه و مصلحت کودک و نوجوان در معرض خطر و بزه دیده، مستلزم اتخاذ تصمیم درخصوص حضانت، ولایت، قیومت، سرپرستی، ملاقات، عزل ولی قهری، سپردن به خانواده جایگزین یا مراکز بهزیستی و یا سایر نهادها و موسسات اجتماعی، تربیتی درمانی یا بازپروری، نگهداری در مکانی مطمئن و امن و یا سپردن موقت به شخص مورد اطمینان دادگاه باشد. دادستان گزارشی در مورد وضعیت کودک و نوجوان و ادله ضرورت اتخاذ اقدامات مزبور تهیه و به دادگاه خانواده ارسال می‌کند».

همچنین این لایحه به منظور حفظ روابط خانوادگی و تداوم آن و همچنین افزایش اطلاعات فرهنگی و آموزش والدین نیز در برخی از بندهای ماده (۴۵) در ضمن مجازات‌های تأمینی برای والدین مرتکب به جرائم مذکور در بند (۸ و ۷) و بندهای د و هـ ماده (۱۰) با شرایط خاص مذکور در آن ماده، ترک اعتیاد، درمان بیماری‌های جسمی و روانی، بهره بردن از خدمات سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و غیره را پیش‌بینی نموده است. تأسیس نهاد «کودک در معرض خطر» در این لایحه نیز، از جمله اقداماتی است که به جهت پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال به خصوص در محیط خانه اشاره دارد. اما آنچه باید در نظر داشت فراهم‌سازی زمینه حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی به صورت ریشه‌ای توسط دولت است تا این نوع پیشگیری بتواند از تولد فرد بزه‌کار و همچنین بزه‌دیده جلوگیری کند.

همانگ کردن سازمان‌های دولتی و غیردولتی جهت شناسایی و حمایت از کودکان در معرض خطر و همچنین اقدامات در لایحه، زمینه پیشگیری از ناهنجاری‌ها و همچنین بزهکاری بر علیه کودکان را فراهم می‌سازد. نهادهایی مانند دادگستری، نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی، صدا و سیما، آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، بیمارستان‌ها و ... و همچنین در ماده (۶) این لایحه ایجاد تشکیلات و دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان قوه قضائیه به منظور تعیین اولویت‌ها و راهبردها در جهت انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی به منظور تعیین اولویت‌ها و راهبردها در جهت انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی در استان‌ها و شهرستان‌ها از جمله تمهیدات در جهت اجرای پیشگیری اجتماعی از کمک آزاری است.

۱۱۴

۳-۲- پیشگیری وضعی

طرح پیشگیری وضعی از جرم بعنوان یک نظریه علمی اصالتاً تأسیسی، انگلیسی است که توسط سه نفر به نام‌های کلارک، می هیو و کرینش مطرح شده و توسعه یافته است. رونالد کلارک در مقدمه کتاب خود تحت عنوان *Crime preventio success full cose studies situational* که در سال ۱۹۹۷ با تغییراتی تجدید چاپ گردید، بیان می‌دارد که این نظریه از جهت پیشگیری جرم اشاره به یک روش خاص دارد، که مبتنی بر متعالی کردن جامعه و نهادهای آن نیست. بلکه بطور ساده تکیه بر کاهش دادن فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم دارد. این در حالی است که پیشگیری اجتماعی زمینه و علل جرم‌زا را از بین می‌برد ولی پیشگیری وضعی، فرصت و امکان وقوع آن را کاهش می‌دهد یا دشوار می‌سازد.

اقدام‌های وضعی پیشگیرانه، ناظر بر اوضاع و احوال و شرایطی هستند که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. این اوضاع و احوال که در جرم‌شناسی، وضعیت‌های ماقبل بزهکاری یا وضعیت‌های پیش جنایی نام دارد فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش مهمی در آن ایفاء می‌کند. بزه‌دیده بعنوان یکی از وضعیت‌های پیش جنایی قلمداد می‌شود. بنابراین در پیشگیری وضعی با تقویت

حمایت از بزه دیده از طرق مختلف، هزینه ارتکاب جرم را بالا برده و یا انجام آن را دشوار می‌سازد. و از این گذر، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را مختل می‌سازد. در پیشگیری وضعی با ایجاد موانع فیزیکی میان بزه‌کار و هدف جرم و نیز تغییر کسب و کار و حضور اجتماعی افراد، تغییر ساعت فعالیت‌های روزانه، محل‌های رفت و آمد، صرف‌نظر کردن از برخی آرزوها نظیر داشتن اتومبیل گران قیمت و غیره، سعی در بالا بردن هزینه و خطرات ارتکاب جرم و کاهش سوء ناشی از آن و نهایتاً تغییر و یا حذف موقعیت‌های بزه را یا بزه‌دیده را و بطور کلی تقویت حفاظت از آماج جرم دارد. با این اوصاف، هدف و محور اصلی بکارگیری روش‌های پیشگیرانه وضعی، مبارزه با بزه‌دیدگی افراد در معرض خطر، از جمله کودکان است. اطفال بعنوان افراد آسیب‌پذیر در برابر تعرضات و تجاوز و بی‌توجهی، از استعداد و پیش زمینه بزه‌دیدگی بالایی برخوردارند و به راحتی از بزه‌دیدگانی بالقوه به بزه‌دیدگانی بالفعل تبدیل می‌شوند.

یکی از مهمترین اقدامات برای حمایت کودکان و نوجوان شناسایی کودکان مستعد بزه‌دیدگی است، شناسایی کودکان در معرض خطر، از طریق گزارش بستگان، همسایگان، مسئولین مدرسه و غیره می‌تواند صورت پذیرد. بنابراین وجود مرکز گزارش‌دهی کودکان در معرض خطر تسهیل کننده این امر می‌باشد. در حال حاضر تأسیس مرکز اورژانس اجتماعی با شماره تماس ۱۲۳ و همچنین وجود خودرو در حال گشت آن در سطح شهر، دسترسی به این هدف را آسانتر نموده است.

۱۱۵

در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان با جرم شناختن عدم گزارش‌دهی وضعیت خطرآفرین برای کودک نیز با این طریق به حمایت از او پرداخته است. مصون‌سازی کودکان از طرق مختلف مانند ایجاد تسهیلات جهت شرکت کودکان در کلاس‌های فوق برنامه جهت جلوگیری از حضور آنان در خیابان‌ها و محیط‌های ناامن، در نظر گرفتن سرویس‌های حمل و نقل، وجود سیستم اطلاع‌رسانی آسان برای کودک جهت اعلام وضعیت مخاطره‌آمیز، شناسایی خانواده‌ها و افراد پرخطر مانند والدین معتاد و کمک در جهت درمان و بازدید ماهیانه از خانواده‌های که سابقه آزار دارند و یا کودک بزه‌دیده در آن است و همچنین بررسی وضعیت کودکان و نوجوانان دارای مشکلات جسمی و ذهنی در طی این بازدیدها، اجباری کردن دوره‌های آموزش و مهارت ارتباط با کودک در مدارس برای والدین و یا کارمندان دولتی و غیره می‌تواند از جمله موارد پیشگیری وضعی قلمداد شود. برای حصول نتیجه بهتر درخصوص پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان، نیاز به همکاری و اتحاد نهادها و سازمان‌های قضایی و اجرایی است. سازمان‌های قضایی می‌توانند از طریق جرم‌انگاری و اتخاذ رویه تشدید مجازات برای مرتکبین جرائم علیه اطفال، به افزایش هزینه ارتکاب جرائم و نتیجه کاهش بزه‌دیدگی کمک کنند. همچنین الزام نهادهای دولتی و اجرایی از سوی دستگاه در جهت شناسایی، جمع‌آوری، حمایت نگهداری و توانمندسازی کودکان بزه‌دیده یا در معرض خطر بسیار تأثیر گذارد. از جمله اقدامات

در خصوص پیشگیری وضعی استفاده از منابع انسانی در جهت کاهش یا حذف عوامل جرم‌زا است. در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان از این‌گذر می‌توان به پلیس کودک، فعال‌سازی تشکیلات غیردولتی و تأسیس نهاد ملی اشاره نمود.

- پلیس کودک

این نهاد هم در زمینه بزهکاری و هم در زمینه بزه‌دیدگی کودکان بعنوان واسطه‌ای برای عدم برخورد کودک با نیروی انتظامی است. مأموران این نهاد لازم است که دوره‌های آموزشی را به صورت هفتگی یا ماهیانه در زمینه آشنایی با حقوق کودک، حقوق بشر و مقررات دادرسی بگذارند. همچنین مأموران به منظور کشف و موارد بزه‌دیدگی می‌بایست در سطح شهر، نهادها و مراکزی که کودکان در آن حضور دارند، نظیر مدرسه، مهدکودک، پارک و غیره حضور داشته باشند. این نهاد، فقط در موارد لازم و ضروری با پلیس عمومی همکاری می‌نماید و در راستای انجام وظایف خود از مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان، روان‌پزشکان، جرم‌شناسان نیز بهره می‌گیرند. در ایران پلیس کودک، به منظور جلوگیری از وقوع جرم مدنظر مسئولان قرار گرفته و با اهداف زیر تشکیل می‌شود.

(۱) تخصصی شدن واحدهای پلیس؛

(۲) آموزش پرسنل در راستای حرفه‌ای شدن پلیس؛

(۳) انجام سرویس‌دهی بهتر و سریع‌تر؛

(۴) برخورد تخصصی و جدی‌تر با مجرمین؛

(۵) تأسیس نهادهای ملی حقوق کودک.

نهادهای ملی حقوق کودک، مانند سایر نهادهای ملی حقوق بشر فاقد اعمال قضایی و تعیینی هستند و به فعالیت‌های آموزشی و ترویجی و ارائه مشاوره به دولت‌ها درباره مسائل حقوق بشری و کشورها می‌پردازد. کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۶۳ در وین، حمایت دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس را از تأسیس و تقویت نهادهای ملی با لحاظ شناسایی حق هر دولت برای تعیین چهارچوب چنین نهادی اعلام کرد. ولی آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، نظریه عمومی شماره ۲ کمیته حقوق کودک است که در سال ۲۰۰۲ صادر شد. در این نظریه با تفسیری که از ماده (۴) کنوانسیون حقوق کودک ارائه می‌دهد. اعلام می‌کند که این ماده متضمن تعهد دولت‌ها به تأسیس این نهاد دارای اهمیت است. این نهاد بعنوان ناظر بر اجرای صحیح حقوق کودک و الزام مراکز به ارائه گزارش به این نهاد، درصدد حمایت از حقوق کودکان برآمده است. در ایران نیز با عضویت در کنوانسیون حقوق کودک مسأله تأسیس نهادهای ملی برای حسن اجرای مفاد این کنوانسیون در جریان است.

- پیش‌بینی دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان قوه قضائیه در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

این مرکز، در ماده (۴) لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان «به منظور تبیین اولویت‌ها و راهبردها، تنظیم برنامه‌ها، تدوین خط‌مشی، ایجاد زمینه‌های همکاری با سایر نهادها، تهیه و تنظیم طرح‌های اساسی به منظور تحقق اهداف این قانون جهت تصویب رئیس قوه قضائیه، تهیه گزارش‌های موردی یا ادواری، انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی، پایش و ارزشیابی فعالیت‌های دفاتر استانی و شهرستانی در خصوص اجرای این قانون در قوه قضائیه تشکیل می‌شود». همچنین در ماده (۵) این لایحه به پیروی از نهادهای ملی حقوق کودک بعنوان ناظر بر حسن اجرای مفاد کنوانسیون، ساختار و تشکیلات مناسبی جهت اجرای مفاد این لایحه در صورت تصویب، پیش‌بینی نموده که با تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه‌های قضایی شهرستان تحت نظر دادستان تشکیل می‌شود.

از جمله وظایف این مرکز مداخله فوری قضایی، ارائه مشاوره و معاضدت‌های حقوقی، ایجاد شرایط مناسب در خانواده‌ها و یا معرفی کودکان بزه‌دیده به بهزیستی و سایر نهادها، تهیه و ارائه گزارش و درخواست جهت اتخاذ اقدامات حمایتی و قضایی از مراجع قضایی صالح و نظارت بر حسن اجرای آراء و تصمیمات صادره مرتبط با کودک یا نوجوان می‌باشد.

- پیشگیری مشارکتی از بزه‌دیدگی کودکان

از زمان ظهور تفکر علمی در مورد جرم و پیشگیری، همواره توجه جرم‌شناسان معطوف به یک عنصر تحت عنوان شخص مجرم و شیوه‌های مهار بزهکاری و یا اصلاح و درمان او بوده است. بنابراین در عرصه سیاست جنایی، مرتکب جرم نقش اصلی را ایفاء می‌نمود تا اینکه از سال ۱۹۴۰ میلادی عده‌ای از جرم‌شناسان به دنبال حل معمای بزهکاری و علت‌شناسی جرم، پژوهش‌های خود را بر روی کنشگر دیگر بزهکاری، یعنی «بزه دیده» که خود بازیگر نیمی از صحنه جرم می‌باشد متمرکز نمودند. به این ترتیب برای وقوع یک جرم تقارن سه عنصر را ضروری می‌دانند. این سه عنصر عبارتند از: وجود یک مرتکب با انگیزه، مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب جرم و وجود یک آماج محافظت نشده.

باتوجه به عدم شناسایی مجرمان بالقوه و آگاهی به انگیزه آنان در زمینه ارتکاب جرم می‌توان گفت در عمل مبارزه با این دو عنصر عملاً غیرممکن است. به این ترتیب تنها راه مبارزه، تقلیل موقعیت‌های ارتکاب جرم برای مجرمین است که از طریق تأثیرگذاری بر محیط فردی و اجتماعی اشخاص امکانپذیر می‌باشد. برای نیل به این هدف کلیه تدابیر پیشگیرانه، باتوجه به وسعت و تنوع آن می‌بایست بعنوان سیاست جنایی یک دولت مطرح شود و برای رسیدن به این هدف نیز، دولت می‌تواند از همیاری و مشارکت گسترده مردمی و نهادهای غیردولتی بهره‌مند گردد. به عبارت دیگر، تغییر افق دید جرم‌شناسان از روش‌های پیشگیری

کیفری به سوی پیشگیری غیرکیفری از چند دهه قبل سیاست جنایی را در این بعد تحت تأثیر قرار داده است. امروزه ارزیابی مدارک و تجربیات نیز، بیانگر آن است که استفاده از تدابیر غیرکیفری در شمار کاهش یا حذف جرائم خاص تأثیر بسزایی داشته است. در حال حاضر تصور یک نظام سیاست جنایی بدون مشارکت جامعه ممکن به نظر نمی‌رسد. سیاست جنایی گستره وسیعی از تدابیر را در بر می‌گیرد که چیدمان منطقی این تدابیر، ما را به اهداف آن رهنمون می‌سازد در این میان تدابیر پیشگیرانه مشارکتی به مثابه یکی از ابزار عمده تحقق سیاست جنایی مشارکتی مطرح است.

«سیاست جنایی مشارکتی در برگیرنده تدابیر و اقدام‌هایی است که مردم مستقلاً و یا با مشارکت دولت و به صورت سازمان یافته و به منظور پیشگیری از جرم و مقابله با آن اتخاذ می‌نمایند».

میزان مشارکت مردم در سیاست جنایی با توجه به نظام سیاسی حاکم بر جوامع تغییر می‌یابد. در بسیاری از موارد، اجتماعی بودن پدیده جرم ایجاب می‌کند تا حتی‌المقدور برای پیشگیری و سرکوب جرائم از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی استفاده شود. مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرآیند کیفری یکی از این ظرفیت‌هاست. بنابراین می‌توان گفت، با توجه به موضوع بحث، مشارکت مردم بعنوان سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل از دولت در کنار سازمان‌های دولتی در حمایت از حقوق کودکان و مبارزه با خشونت و آزار علیه آنان تأثیر بسزایی دارد. گروه‌های مردم‌نهاد در راستای حمایت از کودکان از طریق تشکل‌های چون انجمن‌ها، اتحادیه‌ها همچنین از طریق مساجد و مکان‌های آموزشی و ... در حفظ حقوق کودک و مبارزه با کودک‌آزاری تأثیرگذار می‌باشند.

۱۱۸

– مشروعیت قانونی سازمان‌های مردم‌نهاد

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بعنوان قانون مادر، در اصل یکصد و پنجاه و ششم به صراحت، از اصطلاح پیشگیری از جرم استفاده شده است. در اصول دیگر این قانون نیز نظیر اصل سوم، هشتم، بیستم و سی و یکم و چهل و سوم هم ردپایی از بحث پیشگیری، البته با جنبه‌های اجرائی و اجتماعی دیده می‌شود. در همان قانون اصل بیست و ششم در خصوص مشروعیت ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی سخن به میان می‌آورد. مقنن با اقتباس از اصل آزادی اجتماعات مندرج در ماده (۲۰) اعلامیه جهانی حقوق بشر، در اصل مذکور مقرر می‌دارد که «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آنها منبع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

این اصل به دو موضوع مرتبط با شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی می‌پردازد، نخست اصل آزادی اجتماعات و دیگر اصل مشارکت آزادانه افراد در این اجتماعات. در واقع قانونگذار با بکارگیری واژگانی چون جمعیت‌ها

و انجمن‌ها خواسته است، تجمع‌های مردمی (سازمان‌های غیردولتی) را لحاظ کند. در قسمت اخیر این اصل به صراحت موضوع حق افراد برای شرکت و یا عدم شرکت در هریک از این تجمع‌ها نیز مطرح شده است. نکته قابل توجه در این اصل همان دو ویژگی عدم مخالفت با اصول کلی قانون اساسی و الزامی نبودن شرکت در آنهاست که در بند الف ماده (۱) آئین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب سال ۱۳۸۴ نیز آمده است. در لایحه پیشگیری از وقوع جرم نیز با پیش‌بینی کمیسیون پیشگیری اجتماعی در بند ز ماده (۷) درخصوص وظایف این کمیسیون آمده است: «توسعه فرهنگ پیشگیری مشارکتی و جلب مشارکت مردمی برای سرمایه‌گذاری در امر پیشگیری از وقوع جرم و تأمین امنیت» که خود بیانگر پذیرش و حمایت از این نوع پیشگیری است.

– سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد

سازمان‌های غیردولتی موسوم به NGO از افرادی تشکیل می‌شوند که بصورت داوطلبانه و بدون وابستگی به دولت و بطور غیرانتفاعی و عام‌المنفعه در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه، زیست محیطی و امثال آن فعالیت می‌کنند. اهداف این سازمان‌ها بهبود وضعیت موجود در جامعه و حفاظت از منافع ملی و مصالح عمومی است. براساس تعریف سازمان ملل، NGO یا سازمان‌های غیردولتی دارای چهار مشخصه اصلی هستند: از وابستگی مستقیم به هر حکومتی آزاد می‌باشند؛ فعالیت‌های سیاسی و وابستگی به احزاب^{۱۱۹} سیاسی نداشته باشند؛ غیرانتفاعی باشند و فعالیت‌های اقتصادی نکنند؛ فاقد فعالیت‌های خشونت‌آمیز بوده و با گروه‌های بزهکار مرتبط نباشند.

در حقوق ایران شاید بتوان ماده (۵۸۴) قانون تجارت و آئین‌نامه ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجاری مصوب سال ۱۳۷۳ را نخستین مقرراتی دانست که سازمان‌های غیردولتی در آن تعریف شده است. را تعریف کرده اند. ماده (۵۸۴) ق.ت بیان می‌دارد، تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیرتجاری تأسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کند. ماده (۱) آئین‌نامه نیز اعلام می‌دارد: «مقصود از تشکیلات و موسساتی غیرتجاری مذکور در ماده (۵۸۴) قانون تجارت کلیه تشکیلات و موسساتی است که برای مقاصد غیرتجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود را هم از آنکه موسسین و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند».

– نقش سازمان‌های غیردولتی در پیشگیری مشارکتی از کودک آزاری

این قبیل سازمان‌ها، از جهت کارکرد دارای ماهیت غیرکیفری هستند و از وسایل و شیوه‌های پلیسی و سرکوبگرانه استفاده نمی‌کنند. شیوه‌های این سازمان‌ها بطور معمول غیرقهرآمیز است. نهادهای مردمی حامی کودکان، در عرصه مبارزه با خشونت آزار و استثمار علیه کودکان و دفاع از حقوق این گروه آسیب‌پذیر، از

جهت مختلف به نظام عدالت کیفری یاری می‌رسانند و از این رهگذر اهداف خود را دنبال می‌کنند. از یکسو با اعلام و گزارش جرائم علیه کودک در جهت کشف و تعقیب جرائم کمک می‌کنند و از سوی دیگر با نقش آفرینی خود در فرآیند کیفری به بزه‌دیدگان این قبیل جرائم یاری می‌رسانند. همچنین با حساس‌سازی افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی ایفاء نقش می‌کنند.

نقش نهادهای مدنی در پیشگیری از کودک آزاری بسیار حائز اهمیت است. مشارکت مردم از رهگذر این سازمان‌ها در سطوح سیاست جنایی (تقنینی، قضایی و اجرایی) قابل تصور است. از جمله این مشارکت‌ها، تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان است. که هسته اولیه آن در «انجمن حمایت از حقوق کودکان» بعنوان یک نهاد مردمی شکل گرفت. نهادهای از این دست می‌توانند از طریق ابزارهایی چون رسانه‌های گروهی، زمینه تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم سازند. زیرا حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه‌ها به منظور آگاه‌سازی مردم در پرتو علنی بودن رسانه‌ها نه تنها به انجام دادرسی‌های منصفانه کمک می‌کند، بلکه در نقد عادلانه و به دور از غرض‌ورزی دادگاه‌ها و تصمیم‌های قضایی نیز می‌تواند موثر باشد. بطور مثال حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه‌های اطفال نمودی از سیاست جنایی قضایی مشارکتی است.

از جمله موارد پیش‌بینی شده در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در این راستا، ماده (۴۸) است. این ماده مقرر می‌دارد: «والدین، اولیا، سرپرستان قانونی و مددکاران اجتماعی و یا نمایندگان سازمان‌های مردم نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان می‌باشند، حق حضور در جلسات دادرسی و اعتراض به آراء و تصمیمات صادره را دارد».

همچنین در سطح سیاست جنایی اجرایی یا پلیسی، برخی دستگاه‌های اجرایی مانند سازمان بهزیستی و یا واحد حمایت دادگستری با دستگاه قضایی و نهادهای مربوطه همکاری دارند و در جهت کشف جرائم علیه اطفال و پیگرد مرتکبان تلاش می‌کنند. در زمینه پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال مشارکت و همکاری در سطح سیاست جنایی مشارکتی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان موارد متعددی از سیاست جنایی مشارکتی پیش‌بینی شده است. از جمله ماده (۴۵) که در آن آمده است: «مددکاران اجتماعی بهزیستی تحت نظر مقام قضایی و در صورت لزوم با بهره‌گیری از خدمات سایر افراد و نهادهای مربوط بر نتایج اقدامات دستورات صادره نظارت‌ها نموده و انجام صحیح و مناسب آن را پیگیری می‌نمایند».

در ماده (۴۴) این لایحه نیز آمده است که دادگاه پس از ختم رسیدگی می‌تواند یکی از دستورات زیر را صادر کند. از جمله حکم به نگهداری کودکان در خانه‌های امن یا واحدهای شبانه‌روزی، اینها ممکن است از نهادهای مردمی باشند.

سازمان‌های مردم نهاد اهداف خود را بوسیله اطلاع‌رسانی، بسیج افکار عمومی و آموزش دنبال می‌کنند. بطور کلی، سازمان‌ها و نهادهای مردمی حامی حقوق کودک، نظیر انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن

حمایت از کودکان کار و ... براساس اهداف خود در اساسنامه تأثیر بسزایی در کاهش وقف کودک‌آزاری دارند. این سازمان‌ها با تمرکز بر یک موضوع خاص (کودک) با پیگیری و شناسایی موارد کودک‌آزاری خشونت علیه کودک، استثمار کودک، عدم تأمین امکانات رفاهی و امنیتی، نقد قوانین مرتبط با کودک و ... به ارائه بیانات، مقالات، برگزاری نشست‌ها و کنگره‌ها می‌پردازند.

همچنین این سازمان‌ها با آرامش‌های لازم برای خانواده‌ها، مربیان، معلمان، کودک و نوجوانان در کاهش آسیب‌پذیری و در نتیجه هدف جرم‌قرار گرفتن آنها گامی مهم در مسیر پیشگیری از کودک‌آزاری بر می‌دارند. همچنین اطلاعات تخصصی موجود در این سازمان‌ها می‌تواند تصمیم‌گیران و مجریات طرح‌های حمایتی از کودکان را یاری رساند. این نهادها با تمرکز بر حقوق کودک قادر به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها می‌باشند و از این طریق می‌توانند بعنوان کارشناس در فرآیند تصویب طرح‌ها و قوانین نقش بسزایی داشته باشند. در برخی مواد موجود در لایحه نیز ماهیت این قبیل سازمان‌ها به رسمیت شناخته شده است. بطور مثال در ماده (۶) لایحه مذکور آمده است که سازمان بهزیستی کشور موظف است با همکاری و مشارکت سایر دستگاه‌های اجرایی و نهادهای غیردولتی و مردمی نسبت به شناسایی، جذب و تشخیص آسیب، نگهداری توانمندسازی کودکان بزه‌دیده و در معرض خطر و ارزیابی اقدامات ناظر بر کودکان و نوجوانان بزه‌دیده اقدام نماید.

– حق دادخواهی سازمان‌های مردم نهاد

تبیین نقش سازمان‌های مردم نهاد در پیشگیری مشارکتی از کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان و نوجوانان مستلزم شناسایی حق دادخواهی برای این سازمان‌ها و نهادها می‌باشد. شناسایی این حق یکی از معیارهایی است که براساس آن می‌توان جایگاه و اهمیت اصل مشارکت را ارزیابی نمود. در حقوق ایران بطور صریح هیچ قانونی حق دسترسی سازمان‌های غیردولتی را به مراجع قضایی مورد شناسایی قرار نمی‌دهد و چنین حقی به متولیان دولتی یا اشخاص ذینفع محدود می‌شود. باتوجه به ماده (۵) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۱ و همچنین ماده (۳۴) لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، کودک‌آزاری و جرائم کودک مندرج در این منابع از جمله جرائم عمومی هستند که نیاز به شاکی خصوصی ندارند. ماده (۴۸) لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان نیز با پذیرش حق دادخواهی و اقامه دعوا برای اشخاص مذکور در این ماده، راه را برای دادخواهی نهادهای مدنی هموار نموده است. این ماده مقرر نموده: «والدین اولیاء ... یا نمایندگان سازمان‌ها مردم نهادی که دارای مجوز فعالیت در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان می‌باشد حق حضور در جلسات دادرسی و اعتراض به آراء و تصمیمات صادره را دارند». همچنین ماده (۶۶) لایحه فعلی آئین دادرسی کیفری بیان می‌دارد: «سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان ... می‌توانند

نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض کنند». این ماده در راستای تقویت نقش سازمان‌های مردم نهاد در فرآیند کیفری و با هدف حمایت از بزه‌دیدگان خاص نظیر کودکان، به حضور موثر و مفید آنان در فرآیند دادرسی کیفری صحنه می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

امروزه کودکان و نوجوانان در معرض انواع جرائم رایانه‌ای در فضاهای مجازی به دور از چشم خانواده و والدین قرار دارند و نیاز به مراقبت و نظارت بیشتر بر استفاده کودکان و آگاهی دادن به آنها در این زمینه به شدت احساس می‌شود. از جمله اصلی‌ترین بزه‌هایی که کودکان و نوجوانان را در فضاهای مجازی هدف قرار داده‌اند می‌توان به هرزه‌نگاری، قاچاق جنسی از طریق اینترنت، آزار و اذیت اینترنتی، توریسم جنسی، تقاضای جنسی، خشونت رسانه‌ای اشاره نمود. از آنجا که تعقیب و مجازات اینگونه جرائم مسایل و مشکلات خاصی را به دنبال دارد بهترین شیوه در کاهش بزه‌دیدگی کودکان در فضای سایبری، پیشگیری وضعی از وقوع این جرائم در محیط سایبر است. در این رویکرد می‌توان با اتخاذ تدابیر صحیح و موثر از وقوع جرم جلوگیری شود. در واقع هدف، سلب فرصت و ابزار ارتكاب جرم از مجرم در فضای سایبر است. آنچه در این زمینه باید بکار گرفته شود؛ افزایش آگاهی‌های عمومی به خصوص والدین در زمینه چگونگی کاربرد اینترنت و شناسایی این فضای ناشناخته، آموزش نیروهای تعقیب‌کننده و پلیس بطور کاملاً سازمان یافته و تخصصی و اعمال شیوه‌های نظارتی از سوی نهادهای مسئول است.

همچنین کودکان و نوجوانان بعنوان یکی از مهمترین و در عین حال آسیب پذیرترین اقشار جامعه همواره بنحو جدی در معرض انواع بزه‌دیدگی و صدمات جبران‌ناپذیر جسمی، روانی، اجتماعی و ... قرار داشته‌اند و به لحاظ شرایط ویژه و کاربرد وسیع فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در عصر حاضر، بیش از هر زمان دیگر در معرض خطر قرار گرفته‌اند. نتیجه این امر، تایید و تاکید نظام‌های حقوقی و اجتماعی مختلف، اعم از داخلی و بین‌المللی بر اصل لزوم حمایت ویژه از کودکان و نوجوانان می‌باشد. تحولات همه‌جانبه عصر حاضر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، جرم‌شناسی و ... در پیوند با آموزه‌های مذهبی و تلاش‌های مستمر مصلحان اجتماعی و فرهیختگان منجر به انقلاب عظیمی در نگرش به جایگاه کودکان و نوجوانان شده و گشایش افقی جدید از لزوم حفظ کرامت انسانی، حمایت از ابعاد مختلف حقوق کودک و نوجوان و حریم خصوصی آنان، بعنوان سرمایه‌گران بهای حال و آینده آنها از جمله اموری هستند که در قلمرو فضای مجازی، زمینه‌ساز بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان از طریق نقض حقوق آنها می‌شود. در مورد حفظ حقوق کودکان و نوجوانان در

فضای سایبر، برخی کشورها نظیر آمریکا دارای قوانین متنوعی هستند که در مطالعات علمی و تدوین قوانین می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در پایان، توجه به این نکته مهم است که اگر تا دیروز قتل و سایر جرائم علیه تمامیت جسمی از اهم جرائم علیه اشخاص بوده و معمولاً در نظام‌های مختلف بیشترین مجازات را در برداشته، اما امروزه با پدیداری فناوری‌های نوین جلوه جرائم نیز دگرگون شده و به همین جهت باید حمایت از ارزش‌های مختلف به نوعی عادلانه و هماهنگ ارزش‌گذاری شود به ویژه آنکه در منابع غنی فقه اسلامی قواعد و احکام مرتبط با اینگونه امور وجود دارد و انطباق آن با فرهنگ اجتماعی ممکن است. در همین راستا جهت ارتقای سطح دانش عملی و حقوقی پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی دقیق انواع بزه‌های موجود در فضای مجازی که کودکان و نوجوانان را هدف خود قرار داده‌اند؛ بررسی انگیزه‌ها و اهداف اعمال بزه بر کودکان در فضاهای مجازی به منظور پیشگیری از وقوع آنها؛ بررسی روش‌های جلوگیری از وقوع جرائم رایانه‌ای از طریق آموزش ابعاد حقوقی این جرم؛ برگزاری کارگاه‌های رایانه و حقوق برای دانش‌آموزان و فرهنگ‌سازی در این زمینه؛ آگاهی‌دادن به خانواده‌ها برای محافظت و نظارت مناسب از کودکان خود در فضاهای مجازی؛ شناخت و بهبود نقاط ضعف قانونی مقابله با چنین جرائمی.

فهرست منابع

- ۱- ابادری فومشی، منصور (۱۳۷۹)، شرحی بر قانون مجازات اسلامی ایران، چ ۱، تهران: انتشارات خط سوم.
- ۲- اسماعیلی، فائزه (۱۳۸۴)، «تعریف کودک»، مجله دادرسی، ش ۵۰.
- ۳- الجبلی العاملی، زین الدین بن‌علی (۱۴۱۳)، مسالک الافهام إلی تنقیح شرائع الاسلام، چ ۱، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- ۴- النجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، معروف به صاحب جواهر، چ ۷، لبنان: انتشارات بیروت.
- ۵- بیگی، جمال (۱۳۸۴)، بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۶- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۹)، در آمدی بر آئین دادرسی کیفری جرائم سایبری، چ ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۷- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و یوشی، مهشید (۱۳۹۲)، «جلوه‌های رویکرد حمایتی نسبت به بزه‌دیدگان عادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه مطالعات علوم انسانی، دوره ۲، ش ۲.
- ۸- حبیب‌زاده، محمدجعفر و رحمانیان، حامد (۱۳۹۰)، «هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۶.

- ۹- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵)، «بزه‌دیده‌گان و نظام عدالت جنایی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۲.
- ۱۱- زندی، محمدرضا (۱۳۹۳)، تحقیقات مقدماتی در جرائم سایبری، تهران: انتشارات جنگل.
- ۱۲- صبوری خسروشاهی، حبیب و آذرگون، نسرين (۱۳۹۶)، «فضای مجازی و هویت جهانی»، مجله جهانی رسانه، دوره ۱، ش ۲.
- ۱۳- قریشی بناپی، علی‌اکبر (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، ج ۴، قم: انتشارات دارالکتب اسلامی.
- ۱۴- کرامتی معز، هادی و دیگران (۱۳۹۶)، «رویکرد پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری از بزه‌دیدگان تروریسم در فضای سایبر»، مجله دانش انتظامی زنجان، ش ۲۴.
- ۱۵- لیلا، حمید (۱۳۸۶)، «پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، حقوق-جزا و جرم-شناسی، دانشگاه تهران.
- ۱۶- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۸۷)، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران: نشر دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- ۱۷- مرتضوی، نسرين (۱۳۷۶)، «جایگاه زنان بزه‌دیده در قلمرو سیاست جنایی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مجتمع آموزش عالی قم.
- ۱۸- معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی، چ ۹، تهران: انتشارات سرایش.
- ۱۹- موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (۱۴۲۷)، فقه الحدود و التعزیرات، چ ۲، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- ۲۰- موسوی خمینی، روح‌اله (بی‌تا)، تحریر الوسیله، قم: موسسه نشر آثار اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۱- موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، چ ۱۸، قم: نشر مدینه العلم.
- ۲۲- مهدوی، محمود و حسینی‌کیا، اندیا (۱۳۹۲)، «حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزه‌دیدگی»، کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان.
- ۲۳- میانجی، محمد و عابدی، محمد (۱۳۸۹)، پیشگیری از جرم و گناه (چهل حدیث)، ج ۱، تهران: ستاد مردمی پیشگیری، حفاظت اجتماعی.
- ۲۴- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۱)، «ملاحظات در مورد پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۳۵.